

تحلیلی بر روند ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌های باوندیان کیوسیه

لیدا مودت^۱

چکیده

سلسله باوندیان از مهم‌ترین سلسله‌های حاکم بر طبرستان است که بیش از هفت قرن در مقرر اصلی خود، شهریارکوه، فرمان راندند. این سلسله طی این مدت به سه شاخه کیوسیه، اسپهبدیه و کین‌خوایه تقسیم شدند. یکی از مهم‌ترین اقدامات شاخه اول باوندیان، کیوسیه، ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر روی سکه‌هایشان بود. از این رو مسئله اصلی در این پژوهش، بررسی علل و عوامل ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر روی سکه‌های باوندیان است. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع تاریخی و مطالعات سکه‌شناسی و با تکیه بر شیوه توصیفی تحلیلی، ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌های باوندیان مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از این است که مضامین سکه‌های رستم‌بن شروین و مرزبان‌بن رستم در راستای مشروعیت‌سازی برای حکومت از دو سو تنظیم شده‌اند؛ به این ترتیب که از یک سو عبارت «علی‌ولی‌الله» و از سوی دیگر نام خلیفه عباسی درج شده است. می‌توان از دو جریان مشروعیت‌ساز سخن گفت: (۱) کسب مشروعیت از خارج از قلمرو باوندیان. (۲) کسب مشروعیت در داخل قلمرو باوندیان. به این ترتیب سکه‌ها به واسطه انعکاس عبارت «علی‌ولی‌الله» تصویری مشروع از رستم‌بن شروین همسو با باورهای مردم و اعتقادات مردم ارائه می‌کنند و همچنین در پی کسب مشروعیت از طرف خلیفه عباسی و امیر آل‌بویه بوده است.

واژگان کلیدی: باوندیان، رستم‌بن شروین، تشیع، سکه، «علی‌ولی‌الله».

An Analysis of the Process of Minting the Phrase, "Ali Waliullah" on the Coins of the Bavandians of Kayusiyya

L. Mawadat¹

Abstract

The Bavandian dynasty is one of the most important dynasties ruling Tabarestan. They ruled for more than seven centuries at their headquarters in Shahriarkuh. During this period, this dynasty was divided into the branches of Kayusiyya, Ispahbadhiyya and Kinkhwariyya. One of the most important actions of the first branch of the Bavandians, i.e. Kayusiyya, was the minting of the phrase "Ali Waliullah" on their coins. Therefore, the main issue in this study is to investigate the causes and factors of multiplication of the phrase "Ali Waliullah" on the Bavandian coins. In this research, using historical sources and numismatic studies and relying on descriptive-analytical method, the multiplication of the phrase "Ali Waliullah" on the Bavandian coins has been studied and analyzed. The results of the research indicate that the themes of Rostam ibn Shervin and Marzban ibn Rostam coins have been set in two directions in order to legitimize the government. On the one hand, the phrase "Ali Waliullah" and on the other hand, the name of the Abbasid Caliph are inserted. We can speak of two legitimizing currents: 1) Gaining legitimacy from outside the Bavandians realm. 2) Gaining legitimacy within the territory of Bavandians. In this way, the coins present a legitimate image of Rostam ibn Shervin which is in line with the beliefs of the people. They also seek the legitimacy from the sides of the Abbasid Caliph and the Amir of the Buyid.

Keywords: Bavandians, Rostam Ibn Shervin, Shiism, Coins, "Ali Waliullah".

1 - Assistant Professor Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
lidamavadat@gmail.com

مقدمه

مطالعات سکه‌شناختی نمونه درخور توجهی از کاربرد مطالعات بین‌رشته‌ای به شمار می‌رود. از این رو اطلاعات نقرشده بر سکه‌ها در بازشناسی تاریخ سیاسی، اقتصادی و مذهبی نقش مهمی ایفا می‌کنند و یکی از منابع مهم در مطالعات تاریخی به شمار می‌روند. سکه یکی از مهم‌ترین عناصر معرف فرهنگ، اعتقادات، مذهب و آیین اقتصاد هر حکومتی است و با بررسی سکه‌های هر دوره می‌توان به اطلاعات دقیقی درباره هویت مردم تحت سلطه آن حکومت دست یافت.

از آن‌جا که هر سکه در زمان خاصی ضرب و توزیع شده امکان تحریف و قلب حقایق تاریخی در آن کم‌تر میسر است. مضامین و شعارهای نگاشته شده بر رو و پشت سکه‌ها بیانگر جهان‌بینی و باورهای دینی، اخلاقی و سیاسی جامعه‌ای است که آن سکه‌ها در آن‌جا رواج داشته است. همچنین سکه‌ها، از جمله مهم‌ترین نشانه‌های حکومت‌ها محسوب می‌شوند و هر شعار و نشانه‌ای که روی آن‌ها ضرب می‌شود، بیان‌گر گرایش‌های صاحبان آن‌هاست. هدف از ضرب و انتشار سکه‌ها در عصر اسلامی جنبه‌های ارشادی و تبلیغی و در نهایت اهداف سیاسی و اجتماعی بوده است.

نکته حائز اهمیت این است که اولین سکه‌هایی که در تاریخ اسلام، گرایش‌های شیعی داشتند، در کجا و توسط کدام حکومت‌ها ضرب شده‌اند. گفتنی است، اولین سکه‌ای که در آن گرایش شیعی وجود دارد، متعلق به دوره حضرت علی(ع) (۳۵-۴۰ق) است که در سال ۳۷ق ضرب شده و «ولی‌الله» بر آن ضرب گردیده است ولی نشانی از آن وجود ندارد (Lavoix, 1887: P. 158). اولین سکه اسلامی که نام دو نفر از امامان شیعه بر آن‌ها نقش بسته، سکه‌های مشهور به سکه امام رضا(ع) است. ضرب این سکه‌ها در سال‌های ۲۰۲ق در مرو، ۲۰۳ق در نیشابور، سمرقند و اصفهان و در سال ۲۰۴ق در اصفهان صورت پذیرفته است (سرافراز، ۱۳۸۹: ۱۷۴). علاوه بر این‌ها، وهسودان بن محمد در سال ۳۴۳ق از دودمان سالاریان در سکه‌ای ضمن آن که نام خلیفه عباسی را حذف نموده، عبارت «علی خلیفه‌الله» را ضرب کرده است (تصویر شماره ۱).

همچنین سکه‌هایی که به وسیله علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ق) ضرب شده است، نیز

دارای شعار شیعی است و چون داعیان علوی طبرستان خود را خلیفه حضرت علی بن ابی طالب (ع) می‌دانستند، به احترام آن حضرت نام خود را در حاشیه سکه امر به نقر داده بودند (ترابی طباطبایی، ۱۳۷۳: ۳۶۴).

ذکر این نکته لازم است که سکه‌های یادشده به‌طور مقطعی ضرب شده‌اند و در مدت زمان طولانی صورت نگرفته‌اند؛ اما دوره موردنظر در این مقاله، دوره‌ای است که ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» چندین سال پیاپی (قریب به بیست سال) در حکومت باوندیان کیوسیه رخ داده است. این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است، ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» در سکه‌های حکومت باوندیان ناشی از باورهای اعتقادی یا ضرورت‌های سیاسی بوده است؟

فرضیه اصلی تحقیق بر این اصل استوار است که خاندان باوندیان با توجه به گرایش‌های شیعی‌شان و همچنین فضای فرهنگی و مذهبی که در قلمرو آنان وجود داشت، در زمانی که فضای سیاسی از سوی امرای آل بویه به‌ویژه رکن‌الدوله فراهم گردید، اعتقادات شیعی خود را با ضرب «عبارت علی‌ولی‌الله» بر سکه‌هایشان بروز دادند.

همچنین سؤال فرعی را می‌توان چنین طرح نمود که روند ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌های باوندیان به چه صورت بوده است؟ فرضیه فرعی تحقیق بر این اصل استوار است که تا زمانی که رکن‌الدوله و عضدالدوله دیلمی در قید حیات بودند، حاکمان باوندی عبارت «علی‌ولی‌الله» را بر سکه‌ها ضرب می‌نمودند؛ اما با فوت عضدالدوله به دلیل عدم حمایت سیاسی لازم از سوی آل بویه و تسلط زیاریان سنی‌مذهب بر باوندیان این عبارت به‌طور کلی از روی سکه‌ها حذف شد.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت، مقالاتی را که در این حوزه نگاشته شده‌اند می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: (۱) مقالات با محوریت تحلیل‌های تاریخی، و (۲) مقالات با محوریت سکه‌شناسی. چندین مقاله با محوریت تاریخی در زمینه حکومت باوندیان با عناوین ذیل نگاشته شده‌اند: «کاربست همگرایی شیعیان امامی با سلجوقیان»، «اسپهبدیه یا آل باوند و پیوند آنان با شیعه امامیه»، «امامیه در مازندران قرن ششم»، «تشیع امامی در دوران باوندیان اسپهبدی در طبرستان (۴۶۶-۶۰۶ق)»، «بررسی روابط اسپهبدان مازندران و

شیعیان امامیه در دوره سلجوقیان»، «روابط خاندان باوندیه با سلاجقه و قدرت سیاسی تشیع امامیه در سده‌های پنجم و ششم هجری».

هرکدام از این مقالات با محوریت تاریخی به دوره دوم حکومت باوندیان یا اسپهبدیه (شاخه دوم باوندیان) در قرن ششم هجری و گسترش تشیع در این قرن می‌پردازد؛ اما تحقیق پیش رو در پی آن است که حکومت باوندیان در دوره نخست (کیوسیه) که از قرن اول تا اواخر قرن چهارم هجری را در بر گرفته، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. همچنین ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌ها توسط شاخه اول حکومت باوندیان کیوسیه در این نوشتار مدنظر است.

علاوه بر این‌ها مقالاتی که با محوریت سکه‌شناسی نگاشته شده‌اند به شرح ذیل‌اند: مقاله‌ای تحت‌عنوان «برگی از سکه‌شناسی (روند تشیع در ایران)» به معرفی سکه‌هایی که با شعائر شیعی ضرب شده، می‌پردازد. در این مقاله صرفاً به معرفی یکی از سکه‌های حکومت باوندیان پرداخته شده است، بدون آن‌که به تحلیل تاریخی این اقدام مهم توجه شود. همچنین مقاله «نشان‌شناسی مذهب شیعه در مسکوکات علویان تبرستان»، به آیه‌هایی که به مظلومیت اهل بیت و عبارت الرضا من آل محمد که در سکه‌های علویان نقش بسته است، اشاره دارد؛ اما در میان شعائر شیعی عبارت «علی‌ولی‌الله» در سکه‌های علویان یافت نمی‌شود. «اولین سکه‌های تراز شیعی در حکومت باوندیان طبرستان» به معرفی سکه‌های باوندیان و ضرب «علی‌ولی‌الله» به صورت مختصر پرداخته است؛ اما به تجزیه و تحلیل موضوع نپرداخته است. همچنین در مقاله «شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان» اشاره‌ای کوتاه به ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌های باوندیان داشته است.

علاوه بر این‌ها در مقاله «تشیع در ایران به روایت سکه‌های تاریخی» نوشته منصوره وثیق هیچ اشاره‌ای به سکه‌های امرای باوندیان کیوسیه و رستم‌بن شروین نشده است. در این مقاله با وجود آن‌که حکومت‌هایی که گرایش‌های شیعی داشتند، به لحاظ سکه‌شناسی و ضرب مضامین شیعی بررسی نموده شده‌اند؛ اما هیچ اشاره‌ای به سکه‌های امرای باوندی نشده است.

از این رو نگارنده در این مقاله تلاش نموده، به سیر و روند ضرب «علی‌ولی‌الله» بر روی سکه‌ها در دوران حکومت باوندیان بپردازد. گفتنی است پیش از پرداختن به این موضوع، باید به بررسی بسترها و زمینه‌های سیاسی و مذهبی باوندیان کیوسیه توجه شود.

بسترها و زمینه‌های سیاسی و مذهبی باوندیان کیوسیه

حکومت‌های محلی کرانه‌های دریای مازندران^۱ از جمله سلسله محلی باوندیان در قرون نخستین اسلامی در طبرستان از اهمیت بسزایی برخوردار بودند. حکومت محلی باوندیان (۴۵-۷۵۰ق) توانستند حکومت خود را به مدت هفتصدسال حفظ کنند. حکومت باوندیان را در طی این مدت می‌توان به سه شاخه کیوسیه با تختگاه فریم (۴۵-۳۹۷ق) (حدود/العالم، ۱۳۶۲: ۳۸۷)، اسپهبدیه با تختگاه ساری (۴۶۶-۰۶ق) و کین‌خواریه با تختگاه‌امل (۶۳۵-۷۵۰ق) تقسیم نمود (باسورث، ۱۳۷۱: ۳۴).

باوندین کیوس بن قبادین فیروز سرسلسله خاندان باوندیان، این حکومت را مقارن سقوط ساسانیان در سال ۴۵ق تأسیس نمود (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۵۵). آنچه از منابع به دست می‌آید این است که باوندیان در قرن دوم و سوم هجری همواره با حکومت محلی قارنیان رقابت داشته، مناسبات خصمانه‌ای با عباسیان داشتند (گیلانی، ۱۳۵۲: ۴۵؛ طبری، بی‌تا، ۲۵۳/۸، ۳۱۶؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۵۵، ۱۹۷-۱۹۸؛ مرعشی، ۱۳۶۸: ۱۸۳-۱۸۵). در آغاز قرن سوم هجری قارنیان به رهبری مازیار با توسل به عباسیان، شاپور حاکم باوندی را مغلوب کردند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۰۶-۲۰۸؛ طبری، بی‌تا، ۵۵۶/۸؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ق، ۶/۴۰۱). پس از شکست باوندیان از مازیار، روند اسلام‌آوری با ساخت مساجد در قلمرو باوندیان آغاز شد (۲۱۰-۲۱۴ق) (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۲۷۸).

گفتنی است، با سرکوب و قتل مازیار در سال ۲۲۴ق (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۰۹-۲۱۲؛ طبری، بی‌تا، ۸۱-۱۰۰) و همچنین اسلام‌آوری قارن پسر شهریار (۲۲۷ق) و توسل به معتصم عباسی، باوندیان قدرت را در منطقه به دست گرفتند (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ق، ۶/۵۰۰؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۲۳). قارن برای همسویی با خلیفه، به طاهریان متمایل شد.

۱- قارن وندان در کوه قارن و پادوسپانیان در گیلان و رویان.

با قدرت‌گیری علویان طبرستان و داعی کبیر (۲۵۰-۲۷۰ق) (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۲۹) در ابتدا باوندیان در کنار طاهریان قرار داشته و در برابر تهدیدات علویان مقاومت می‌کردند؛ اما قارن بن شهریار باوندی (۲۲۲-۲۵۳ق) به دلیل عدم توانایی مقابله در برابر علویان، به داعی کبیر متمایل شد (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۳۴-۲۳۹؛ مرعشی، ۱۳۶۸: ۲۸۶؛ طبری، بی تا، ۳۰۷/۹؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ۷/۱۶۳؛ مسعودی، ۱۳۸۵ق، ۴/۹۱). جانشین قارن، رستم‌بن قارن (۲۵۳-۲۸۲ق) سیاست پدر را در برابر علویان در پیش گرفت و به‌ناچار از بسیاری از متصرفاتش چشم پوشید (املی، ۱۳۴۸: ۹۷؛ ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۴۷-۲۴۹).

پس از مرگ داعی کبیر (۲۷۰ق) از یک سو تضعیف علویان و از سوی دیگر پیشروی‌های سامانیان در طبرستان، رستم‌بن قارن باوندی به سمت سامانیان متمایل شدند (املی، ۱۳۴۸: ۹۷-۹۹؛ ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ۶/۶۵؛ ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۵۰-۲۵۵؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۱۸۵-۱۸۶، ۳۲۳).

باوندیان در ابتدا با تکیه بر طاهریان و سپس بر سامانیان تلاش داشتند موجودیت خود را در طبرستان حفظ کنند. به عبارتی آنان در پی تکیه بر حکومتی خارج از مرزهای طبرستان بودند که در برابر حکومت‌های مستقر در طبرستان موجودیت خود را حفظ نمایند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۶۴-۲۶۵). لازم به ذکر است تا زمانی که سامانیان بر طبرستان مسلط بودند، به‌مانند طاهریان به آنان وفادار بودند؛ اما پس از شکست سامانیان از ناصر کبیر (۳۰۱ق) (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۷۲؛ مرعشی، ۱۳۶۸: ۱۰۵) شروین باوندی (۲۸۲-۳۱۸ق) در پی صلح با علویان برآمد. با روی کار آمدن داعی صغیر (۳۰۴-۳۱۶ق)، وی سیاست پیشروی به‌سوی قلمرو باوندیان را در پیش گرفت. در پی کشمکش میان آن دو (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۸۱) صلحی میان شروین و داعی صغیر بسته شد که شرایط بی‌سابقه‌ای بر او تحمیل نمود. قرار بر این شد که نمایندگانی از جانب داعی برای امر به معروف و نهی از منکر و احتساب^۱ در قلمرو ایشان حضور یابند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۸۰؛ مرعشی، ۱۳۶۸: ۱۱۹؛ Stern, 1986, pp.190-218).

۱- نظارت بر شئون عمومی مردم و رعایت آداب و رسوم و مقررات بر اساس آنچه حاکم وضع کرده است.

در این زمان تغییر و تحول مهمی در گرایش حاکمان باوندیه به علویان و تشیع رخ نمود. پس از صلح میان شروین و داعی صغیر، باوندیان در برابر رقبای داعی صغیر همواره در وی بودند. (مرعشی، ۱۳۶۸: ۱۲۱؛ ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۹۱) اما با مرگ داعی صغیر و سقوط علویان طبرستان (۳۱۶ق) باوندیان تلاش داشتند در برابر تسلط خواهی دو حکومت آل‌بویه و آل‌زیار، موجودیت خود را حفظ نمایند (۳۱۶-۴۴۳ق) (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ق، ۸/ ۲۰۹). ازسوی دیگر نیز سامانیان هنوز در طبرستان نفوذشان را حفظ کرده بودند.

در این برهه زمانی شهریار پسر شروین (م۳۵۷ق) به عنوان یک عنصر سیاسی در منطقه نقش‌آفرین بوده و در مناسبات میان آل‌بویه و آل‌زیار ضمن حضور سیاسی پررنگ، در پی حفظ موجودیت سیاسی خود نیز بود (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۹ و ۶۳) اما در نهایت شهریار در این مناسبات سیاسی، به رکن‌الدوله‌دیلمی پیوست (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۹۹). از وقایع بعدی حکومت او آگاهی چندانی در دست نیست و تناقض‌های بسیاری در منابع متقدم و پژوهش‌های متأخر در این باب دیده می‌شود (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ق، ۹/ ۱۴۰؛ مرعشی، ۱۳۶۸: ۱۳۶). به نظر می‌رسد، شهریار از قدرت چندانی در برابر آل‌بویه و سامانیان برخوردار نبوده است و برای حفظ موجودیت خود مرتب حکومت متبوع خود را تغییر می‌داد.

گرایش باوندیان به تشیع

در منابع به‌روشنی بیان نشده است که چه زمانی و به چه علت باوندیان به تشیع گرایش پیدا کردند. برخی گرایش باوندیان به تشیع را به اسپهبد شاپور (۲۱۰-۲۲۲ق) نسبت داده‌اند که وی در عصر امام‌محمدتقی(ع) مسلمان شد و به افتخار امام‌جعفر صادق نام «جعفر» گرفت. پس از او اسپهبدان مذهب جعفری برگزیدند (مظاهری، امامیه در مازندران در قرن ششم، ۳۸). قاضی نورالله شوشتری جانشین اسپهبدشاپور، قارن‌بن شهریار (۲۲۲-۲۵۳ق) را نخستین مسلمان و شیعه دانسته است (شوشتری، ۱۳۷۵، ۲/ ۳۸۴). رسول جعفریان نیز قارن‌بن شهریار را اولین حاکم شیعی باوندیه می‌داند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۳۴). درحالی‌که مرعشی در تاریخ طبرستان و روایان اسپهبد قارن‌بن شهریار را اول شخص دانسته است که اسلام آورد، ولی به تشیع او اشاره‌ای ندارد (مرعشی، ۱۳۶۸: ۹۴). گفتنی‌است نوع تشیع کیوسیه (شاخه نخست باوندیه) دقیقاً مشخص نیست؛ ولی آن‌چه مسلم است، این است

که شیعه دوازده‌امامی در زمان شاپور و قارن بن شهریار شکل اصلی خود را نیافته بود؛ زیرا دوران غیبت صغری آغاز نشده بود. (۲۶۰ق) با توجه به آنچه ابن اسفندیار نوشته اظهار مذهب امامیه و بطلان مذهب زیدیه از زمان سیدشرف‌الدین عالم معاصر او (قرن ششم هجری) صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که باوندیان کیوسیه شیعه زیدیه بوده‌اند (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۰۵-۱۰۶). نیمه دوم قرن چهارم هجری مصادف با ضرب «علی ولی الله» بر سکه‌های باوندی نقطه عطف گرایش‌های آنان را به تشیع نشان می‌دهد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

آنچه مسلم است، در دوره دوم حاکمیت باوندیان (اسپهبدان) - اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری - تشیع امامی رشد چشم‌گیری داشته است. تعدادی از اهالی مازندران در سده پنجم و ششم هجری شیعه دوازده‌امامی بوده‌اند (ابوالمعالی حسینی، بی تا: ۴۰). بدین ترتیب می‌توان گفت از دوره اول حکومت باوندیه (کیوسیه) نشانه‌هایی از رشد تشیع وجود داشته است. هرچند نگارنده در پی بررسی دوره حاکمیت کیوسیه و اقدامات شیعی‌گری آنان است؛ اما تلاش‌های اسپهبدان باوندی (دوره دوم) در تقویت شیعه، حمایت‌های آنان از علویان و توجهشان به بقاع مقدس شیعیان مورد توجه است (معلمی، ۱۳۸۷: ۳۶-۳۸).

ضرب عبارت «علی ولی الله» بر سکه‌های رستم بن شروین

دوام و قوام حکومت فرمانروایان بستگی به مشروعیت آنان دارد. از این رو حکام کوشیده‌اند تا به نحوی، حاکمیت خود را با نوعی از مشروعیت بیارایند، بر همین اساس مشروعیت و مشروعیت‌یابی می‌تواند قدرت را به اقتداری مقبول تبدیل نماید.

از کاربردهای آثار هنری میان کاربردهای متعدد آن، «مناقض کردن و تبلیغ جهت مشروعیت‌یابی» است. از آن‌جاکه تاریخ ایران در غالب موارد فقط تاریخ سیاسی را شامل می‌شود، تصاویر به‌عنوان بخشی از بدنه حکومتی در جامعه تولید و بازتولید می‌گردید؛ بنابراین برای درک تجارب دیداری یک عصر و بنیادهای مؤثر بر آن کشف رابطه میان تصویر و واقعیت برای دریافت بینش حاکم بر آن ضروری است. سکه‌ها و شعائر روی آن‌ها طی حیات سیاسی، اجتماعی و مذهبی جوامع و فراز و نشیب حکومت‌ها، دستخوش تغییراتی

شده که نشان‌دهنده تحولاتی در جوامع هستند.

بدیهی است که اطلاعات منابع مکتوب با کاستی‌هایی همراه است و این آثار در سیر تاریخی خود از متون پیشین وام گرفته‌اند. چنان‌که با مطالعه منابع تاریخی دست‌اولی چون تاریخ طبرستان ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران مرعشی و منابع دیگر مطالب قابل‌توجهی در مورد تاریخ حکومت باوندیان کیوسیه به‌ویژه در قرن چهارم هجری به دست نمی‌آید. تاریخ‌های محلی در برهه‌هایی از زمان فاقد اطلاعات و مستندات هستند. از این رو با مراجعه به منابع غیرمکتوب مانند سکه‌ها می‌توان گوشه‌های تاریک تاریخ طبرستان در دوره باوندیان را روشن نمود.

علاوه بر این سکه‌ها توسط دستگاه و عمال دولتی و با تأیید حکومت وقت ضرب می‌شده‌اند و به‌نوعی حکم خطبه را داشتند، از اهمیتی بسزایی برخوردارند. از این رو سکه‌های به‌جامانده از حکومت باوندیان کیوسیه که از اسناد دولتی و حکومتی به شمار می‌روند، در بازشناسی رخدادها، به‌ویژه وقایع مرتبط با تاریخ محلی و فرهنگی طبرستان نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این مقاله سکه‌هایی از عصر باوندیان کیوسیه موردبررسی قرار گرفته که تاکنون بدان کم‌توجهی شده است. با استفاده از این سکه‌ها، کاستی‌های برخی متون مکتوب تاریخی مرتبط به عصر باوندیان کیوسیه برطرف می‌شود.

گفتنی است، در خصوص امرای باوندی پس از سقوط علویان طبرستان در منابع تاریخی و به‌ویژه از دوران رستم‌بن شروین و امرای پایانی باوندیان کیوسیه اطلاعات چندانی وجود ندارد. در منابع تاریخی چنان‌که در سطور پیشین ذکر شد، شهریاربن شروین برای حفظ موجودیت خود به‌طور مرتب حکومت متبوع خود را تغییر می‌داد. شهریار در یک مقطعی به سامانیان پیوست و برادرش، رستم‌بن شروین با حمایت امرای آل‌بویه - رکن‌الدوله - در فریم به قدرت رسید. سکه‌هایی که از رستم‌بن شروین در سال‌های ۳۵۳ق تا ۳۶۷ق در فریم ضرب شده،^۱ (تصویر شماره ۲ تا ۱۲) حاکی از این است که حاکمیت وی بر فریم در این سال‌ها ادامه داشته و پس از مرگ برادرش، شهریاربن شروین (۳۵۷ق) حاکمیت رستم‌بن

۱- مادلونگ حاکمیت وی را تا سال ۳۶۹ق دانسته است (مادلونگ، ۱۳۶۳، ۴/۱۸۸).

شروین بر این منطقه قطعی شد. همان‌طور که بیان شد منابع تاریخی در مورد دوران حکومت رستم‌بن شروین سکوت کردند و نام وی با توجه به عملکرد منحصر به فرد وی در منابع مکتوب تاریخی کمتر به چشم می‌خورد. سکه‌ها در بازخوانی تاریخ سیاسی سودمندند و حقایق را بیان می‌کنند که در منابع تاریخی نمی‌توان یافت. تنها از طریق بازشناسی سکه‌های به دست آمده از رستم‌بن شروین می‌توان دوران حکومت وی و نحوه عملکرد سیاسی و مذهبی وی را واکاوی نمود. در مجموع از سکه‌های به دست آمده از رستم‌بن شروین می‌توان استنباط‌های ذیل را داشت:

از آن‌جا که سکه‌ها داده فرهنگی مناسبی برای مطالعه فرایند مشروعیت‌سازی باوندیان کیوسیه محسوب می‌شدند، آنان در تلاش بودند تا مشروعیتی برای خود پدید آورند و به واسطه آن نوعی ضمانت اجرایی در پیشبرد سیاست‌ها و مقابله با رقبای خود کسب کنند. در این راستا رستم‌بن شروین اقدامات آگاهانه و هدفمندی برای کسب مشروعیت از طریق ضرب سکه‌ها انجام داد.

هر حکومتی پس از به قدرت رسیدن سعی دارد مبانی نظری خود را برای تثبیت قدرت و تداوم آن در قالب مشروعیت، تنظیم و ترویج نماید. از این‌رو مشروعیت را باید اساس و پایه نهاد حکومت دانست که این مسئله هم‌زمان به دو موضوع متقابل ارتباط دارد. (۱) ایجاد حق حکومت برای حاکمان (۲) شناسایی و پذیرش این حق از سوی حکومت‌شوندگان. از این‌رو رستم‌بن شروین در پی تحقق این دو مقوله برآمد. وی بر سکه‌های خود نام امرای بویهی را ضرب نموده، نشان‌دهنده این است که سیادت آل بویه بر حاکمیت خویش را پذیرفته است. (تصویر شماره ۳ و ۵ و ۶) به گونه‌ای که اگر در سکه‌ای نام رستم‌بن شروین درج نشده باشد، همچنان نام رکن‌الدوله قابل ملاحظه است (تصویر شماره ۲ و ۴).

نکته قابل توجه دیگر درج نام خلیفه عباسی در سکه‌های رستم‌بن شروین است. وی بر سکه‌های خود، نام خلفای عباسی، المطیع لله (۳۶۳-۳۳۴ق) و الطائع لله (۳۸۱-۳۶۳ق) را ضرب نموده که نشان از اظهار اطاعت از خلیفه عباسی است (تصویر شماره ۲ تا ۱۲). در سکه‌ای که از رستم‌بن شروین در سال ۳۶۵ق ضرب شده، نام خلیفه معزول مطیع‌الله درج گردیده است (تصویر شماره ۷). برای پاسخ به این مسئله باید اندکی با دقت بیشتری مسائل

سیاسی را مورد بررسی قرار داد. گفتنی است، عزالدوله (امیر بویه مستقر در بغداد) در سال ۳۶۳ق مطیع‌الله، خلیفه عباسی را از خلافت عزل و الطائع را جانشین وی نمود؛ اما عضدالدوله انتصاب خلیفه جدید - الطائع - را نپذیرفت و سکه‌ای در سال ۳۶۵ق با نام خلیفه معزول ضرب کرد (تصویر شماره ۸). رستم‌بن شروین نیز در همسویی با عضدالدوله نام خلیفه مطیع‌الله را بر سکه ضرب نمود.^۱

با بررسی سکه‌های رستم‌بن شروین این امر قابل‌دستیابی است که سنت‌های مشروعیت‌ساز با محوریت راهبرد اعلام همبستگی به امرای آل‌بویه و خلیفه عباسی به دو گونه تأمین شده است: (۱) آوردن نام خلیفه عباسی در کنار امرای آل‌بویه، و (۲) درج عبارت «علی‌ولی‌الله» در کنار دو اسم خلیفه عباسی و امیر آل‌بویه.

مهم‌ترین اقدام رستم‌بن شروین ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر روی سکه‌های باوندیان است که قریب به دو دهه تداوم یافت (تصاویر شماره ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۰). ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» و صراحتی که بر سکه‌های رستم‌بن شروین است، بنا به نوشته محقق در سکه‌های دیگر دودمان‌های شیعی مثل آل‌بویه و سالاریان وجود ندارد (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۶).

رستم‌بن شروین ضمن ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله»، نام خلیفه عباسی را بر روی سکه‌هایش ضرب نمود؛ اما با توجه به اظهارنظر سلیمانی مبنی بر این که سکه‌ای با شعار شیعی از سوی امرای آل‌بویه ضرب نشده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۶)؛ این سؤال برای نگارنده پدید آمد که چرا حاکمان شیعی آل‌بویه عبارت «علی‌ولی‌الله» و هر شعار شیعی دیگری را بر سکه‌هایشان ضرب نکردند؟ از این رو طی تفحص‌هایی، نگارنده سکه‌ای از رکن‌الدوله (۳۶۶-۳۲۰ق) در موزه رضا عباسی یافت که ضمن ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله»، نام خلیفه عباسی المطیع‌الله بر آن ضرب شده است (تصویر شماره ۱۰). این سکه احتمالاً در

۱- علاوه بر این رستم‌بن شروین حتی پیش از وفات رکن‌الدوله، نام عضدالدوله را بر سکه‌های خود ضرب کرده است (تصویر شماره ۸). این موضوع نشان از این دارد که در مناسبات میان امرای آل‌بویه (میان عزالدوله و عضدالدوله) کماکان رستم متحد سیاسی عضدالدوله بوده است. از این پس تا پایان قرن چهارم هجری، باوندیان سیادت آل‌بویه را بر خود پذیرفته و همواره درصدد ایجاد توازن بین قدرت‌های زمان بودند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۲۰۷-۳۰۰؛ مرعشی، ۱۳۶۸: ۶۳-۹۵).

فاصله سال‌های ۳۳۴ تا ۳۶۳ ق ضرب شده است که مصادف با دوره حکمرانی رستم‌بن شروین و ضرب «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌هایش بوده است. گفتنی است، در قرن چهارم هجری علاوه بر رکن‌الدوله و رستم‌بن شروین، خلیفه فاطمی نیز چنین اقدامی انجام داده است. شعارهایی چون «علی‌ولی‌الله» و در بعضی موارد «علی‌أفضل‌الوصیین و وزیر‌خیر‌المُرسَلین» بر روی سکه‌های خلفای فاطمی مصر (۳۵۸-۵۶۷ق) به کار رفته است. (Lane-Poole, 1967, p.152-153)

اقدام رستم‌بن شروین مبنی بر ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌هایش از یک‌سو باور قلبی وی و خاندانش را نشان می‌دهد که مورد تأیید مردم قلمرو وی نیز بوده است. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که به دلیل آن که رستم‌بن شروین با کمک رکن‌الدوله به حکومت رسیده، برای جلب رضایت هرچه بیشتر رکن‌الدوله دست به چنین اقدامی زده است؛ اما آن چه مسلم است این است که حتی پس از مرگ رکن‌الدوله (م ۳۶۶ق) عبارت «علی‌ولی‌الله» همچنان بر روی سکه‌های رستم‌بن شروین نمایان است. این موضوع نشان‌دهنده این است که از سوی رکن‌الدوله اجباری در کار نبوده و رستم‌بن شروین از روی میل و رغبت دست به چنین اقدامی زده است. ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» از این جهت که پس از مرگ رکن‌الدوله توسط یک حکومت محلی در شمال ایران تداوم یابد، خود نکته حائز اهمیت است.

کاربرد عبارت «علی‌ولی‌الله» در سکه‌های رستم‌بن شروین شرایط سیاسی دوران وی را و ارتباط وی را با امرای آل‌بویه بیش از پیش نشان می‌دهد. این اقدام بیش از هر چیز در راستای مشروع‌سازی حکومت خود به صورت آگاهانه و هدف‌دار صورت گرفته است؛ بنابراین با توجه به عبارت درج‌شده «علی‌ولی‌الله» بر سکه رکن‌الدوله و از سوی دیگر ضرب این عبارت بر سکه رستم‌بن شروین بحث تقلیدی بودن آن چندان قابل اتکا نیست.

مادلونگ معتقد است این اقدام رستم‌بن شروین حمایت وی را از شیعه امامیه نشان می‌دهد. (مادلونگ، ۱۳۶۳، ۴/۱۸۸) جعفریان نیز چنین بیان می‌کند که باوندیان نوعاً در دوره‌های خاص اعتقاد خویش را به مذهب اثنی‌عشری به‌وضوح نشان داده‌اند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۶۱) درحالی‌که طبق منابع تاریخی همان‌طور که بیان گردید، نوع تشیع باوندیان

به‌طور یقین مشخص نیست.

برای توضیح بیشتر باید گفت که وجود نام خلیفه عباسی در سکه‌های رستم‌بن شروین در کنار عبارت شیعی «علی‌ولی‌الله» امری بی‌سابقه بوده است. این نکته نشانگر این است که خلیفه عباسی همچنان در جایگاه سیاسی خود دارای اعتبار بوده است. رستم‌بن شروین مانند دیگر امرای جویای استقلال، برای ضرب سکه مستقل با عبارت «علی‌ولی‌الله» پافشاری داشته است.

در این میان رستم‌بن شروین در کنار رفتارهای مسامحه‌آمیز خود با امرای آل‌بویه و به‌ویژه رکن‌الدوله و عضدالدوله و همچنین خلیفه عباسی، ناگزیر به کسب مشروعیتی متناسب با فضای فرهنگی و مذهبی قلمرو خود بود که بتواند مقبولیت مردم تحت سلطه خود را داشته باشد. هرچند که مشروعیت حکومت رستم‌بن شروین از سوی امرای آل‌بویه و خلیفه عباسی در خارج از مرزهای قلمرو اسلامی تصدیق می‌شد. علاوه بر استقلال نسبی رستم‌بن شروین و مرزبان‌بن رستم، به حمایت از امرای آل‌بویه و خلیفه عباسی نیاز داشت.

سکه‌ای که در تاریخ ۳۶۷ق ضرب‌شده نشان‌دهنده این است که حکومت رستم‌بن شروین تا این سال ادامه داشته است (تصویر شماره ۱۱). در این سکه عبارت «علی‌ولی‌الله» و نام عضدالدوله بر آن ضرب شده است. این کلمات تعهد او را نسبت به عضدالدوله نشان می‌دهد و اشاره‌ای صریح بر گرایش‌های شیعی این خاندان دارد. همچنین سکه دیگری از رستم‌بن شروین باوندی با شعار «علی‌ولی‌الله» در موزه آستان قدس رضوی موجود است که تاریخ ضرب آن مشخص نیست و عبارت «علی‌ولی‌الله» به‌روشنی آشکار است (تصویر شماره ۱۲).

روند تدریجی حذف عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌های باوندی

مرزبان‌بن رستم پس از مرگ پدرش رستم‌بن شروین در سال ۳۶۷ق به حکومت باوندیان رسید. سکه‌های مرزبان‌بن رستم در فاصله سال‌های ۳۷۰/۳۷۱-۳۷۴ق در فریم ضرب شده است. مرزبان‌بن رستم در این سکه‌ها با ضرب نام امرای آل‌بویه، سیادت آنان را بر حاکمیت باوندیان پذیرفته است (مادلونگ، ۱۳۶۳، ۴/۱۸۸). از سکه‌های مرزبان‌بن رستم می‌توان استنتاج کرد که وی با وجود آن‌که رکن‌الدوله بویه و پدرش رستم‌بن شروین در

قید حیات نبودند؛ اما همچنان عبارت «علی‌ولی‌الله» را به همراه نام خلیفه الطائع‌الله، عضدالدوله و مؤیدالدوله ضرب کرده است. از این رو سیاست پدر را ادامه داده است (تصویر شماره ۱۳).

در زمان مرزبان بن رستم، با وجود آن که رکن‌الدوله در قید حیات نبود؛ اما کماکان عبارت «علی‌ولی‌الله» را در کنار نام خلیفه عباسی و امیر آل‌بویه به‌مانند پدرش حفظ نمود. این مسئله نشان از این دارد که مرزبان بن رستم مشروعیت حکومت خود را بیش از هر چیز به واسطه سنتی که پدر برقرار کرده بود، احیا نموده است. وی به‌مانند پدر در پی آن بود که مشروعیت را در داخل قلمرو و خارج از قلمرو خود داشته باشد تا از پشتیبانی و حمایت دوسویه برخوردار باشد. البته گفتنی است که سکه هر منطقه در ارتباط با گرایش مذهبی اکثریت مردم آن ضرب شده و این نوعی همراهی دوسویه امیر باوندی با مردم را نشان می‌دهد. به این ترتیب فرض انتخاب شعار شیعی «علی‌ولی‌الله» نوعی کسب مشروعیت را قوت می‌دهد. رستم بن شروین و پسرش مرزبان بن رستم اصرار داشتند در کنار داشتن حمایت و کسب مشروعیت از خلیفه عباسی و امیر آل‌بویه، همخوانی لازم را با اعتقادات مردمی قلمرو خود داشته باشند، ضمن آن که اعتقادات شیعی خود را نمایان سازند.

احتمالاً پس از مرزبان بن رستم برای مدت کوتاهی شروین بن رستم (۳۷۵-۳۷۶ق) بر تخت پادشاهی نشسته (آلبوم، ۲۰۱۱م: ۱۷۱-۱۷۲) و سکه‌هایی از وی در سال ۳۷۵ق در فریم ضرب شده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۹). از آن جاکه بر سکه‌های شروین بن رستم نام امرای آل‌بویه ضرب نشده، می‌توان گفت که وی تحت نفوذ آل‌بویه نبوده است؛ بنابراین او حکومت مستقلی داشته است (مادلونگ، ۱۳۶۳، ۴/۱۸۸).

پس از شروین بن رستم، شهریار بن رستم به حکومت رسید. در خصوص این که شهریار بن رستم (۳۹۳-۳۷۶ق) در چه سالی به حکومت رسیده است، اختلاف نظر وجود دارد. اکثراً آغاز حکومت وی را سال ۳۷۶ق (اعظمی سنگسری: ۵۱) یا ۳۷۷ق (آلبوم، ۲۰۱۱م: ۱۷۱-۱۷۲؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۷۰) می‌دانند؛ اما سکه‌هایی از وی که در سال ۳۷۳ق ضرب شده، حاوی اطلاعات جالبی است. در هر دو سکه ضمن درج عبارت «علی‌ولی‌الله»، نام امرای بویهی از جمله عضدالدوله دیلمی (۳۷۲-۳۳۸ق) - هر چند که در قید حیات نبوده

است- ضرب شده است (تصویر شماره ۱۴ و ۱۵)؛ اما در یکی از سکه‌ها نام خلیفه عباسی، الطائع‌الله ضرب و در دیگری ضرب نشده است. این امر عدم ثبات رفتار سیاسی شه‌ریاربن رستم را نشان می‌دهد.

تناقض رفتار سیاسی و مذهبی شه‌ریاربن رستم در سکه‌های ضرب‌شده وی در سال ۳۷۶ق به‌وضوح قابل‌ملاحظه است. در یکی از این سکه‌ها عبارت «علی‌ولی‌الله» ضرب شده (تصویر شماره ۱۶) و در دیگری این عبارت ضرب نشده است (تصویر شماره ۱۷). این موضوع تغییر مواضع سیاسی و مذهبی شه‌ریار را نشان می‌دهد، هر چند در هر دو سکه سیادت آل‌بویه و خلیفه عباسی، الطائع را پذیرفته است. به نظر می‌رسد، در زمان فخرالدوله، برخلاف دوره رکن‌الدوله و عضدالدوله، حمایت و تشویقی از سوی آل‌بویه برای ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌ها وجود نداشته است. علاوه بر این در سکه‌ای دیگر از شه‌ریاربن رستم هرچند تاریخ ضرب آن مشخص نیست، عبارت «علی‌ولی‌الله» حذف شده، ضمن آن که نام خلیفه و امیر آل‌بویه موجود است (تصویر شماره ۱۸).

در این راستا باید گفت، مشروعیت‌سازی در سکه‌های باوندیان پس از مرزبان بن رستم اندکی دچار چالش شد و تغییر نمود. همچنان ضرورت کسب مشروعیت از خلیفه عباسی و وجود مشروعیت‌ساز خلیفه مورد توجه قرار داشت؛ اما به‌نظر می‌رسد ضرورت استفاده از عبارت «علی‌ولی‌الله» در قلمرو باوندی دیگر احساس نمی‌شود. از سوی امرای آل‌بویه قدرت و شوکت زمان رکن‌الدوله و عضدالدوله را نداشته که حمایت لازم را برای درج عبارت «علی‌ولی‌الله» داشته باشند. از سوی دیگر شروین بن رستم و شه‌ریاربن رستم لزوم این کار را ضرورت ندانستند. هرچند اعتقادات مذهبی مردم که در این فاصله زمانی اندک تغییری نکرده و قطعاً خود امرای باوندی نیز اعتقادات مذهبی خود را بدین سرعت از دست نداده بودند. از این رو طبیعتاً مقتضیات سیاسی در خارج از قلمرو باوندیان و کسب مشروعیت از آن سوی مرزها در این دوره زمانی اولویت اول امرای باوندی به شمار می‌رفته است.

بر اساس دستاوردهای این پژوهش دو جریان اصلی فرهنگ شیعی حاکم بر قلمرو باوندیان و فرهنگ قداست و احترام به خلیفه عباسی در فرایند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های رستم‌بن شروین نمود گسترده‌ای داشته‌اند. چنان که سنت‌ها و قوانین شیعی و اسلامی را

می‌توان بخش جدایی‌ناپذیر سکه‌ها در دوره حکومت رستم‌بن شروین و مرزبان‌بن رستم به حساب آورد. روند مشروعیت‌سازی به واسطه استفاده از عبارت «علی‌ولی‌الله» و کاربرد نام خلیفه نیز به گونه‌ای بود که بعد از مرزبان‌بن شروین، گفتمان غالب از قدرت مشروع در منطقه طبرستان، افزایش قدرت حاکم بر جهان اسلام یعنی احترام به خلیفه عباسی در سکه‌ها بود. به گونه‌ای که از دوره حکومت مرزبان‌بن رستم به بعد منابع مشروعیت‌بخش متفاوت از قبل شد.

پس از مرگ فخرالدوله (م ۳۸۷ق) از سوی قابوس‌بن وشمگیر زیاری (۳۶۶-۴۰۳ق) در پی گسترش نفوذ قدرت خود در مناطق همجوار برآمد و از سوی دیگر رستم‌بن مرزبان مدعی حکومت شهریاربن رستم شد. همچنین پس از فخرالدوله، مجدالدوله که قدرت پدر را نداشت، در ری به قدرت رسید. مجدالدوله با حمایت از رستم‌بن مرزبان‌بن رستم‌بن شروین (که دایی وی بود) قصد داشت، شهریاربن رستم را تحت فشار قرار دهد. شهریاربن رستم با آگاهی از اتحاد میان آن دو با رقیب سیاسی مجدالدوله - قابوس‌بن وشمگیر - پیمان بست. بدین ترتیب قابوس به همراه شهریاربن رستم به نبرد با رستم‌بن مرزبان پرداخت و مجدالدوله دیلمی، نصرین حسن فیروزان را به جنگ قابوس و شهریاربن رستم اعزام نمود. سپس آنان به یاری رستم‌بن مرزبان که در پناه مجدالدوله بود، پرداختند و او را بر حکومت گماشته و شهریاربن رستم را از حکومت راندند. (احتمالاً در سال ۳۸۴ق) در سال ۳۸۸ق شهریاربن رستم از جدایی میان نصرین حسن فیروزان و رستم‌بن مرزبان استفاده نمود و با کمک قابوس‌بن وشمگیر، رستم‌بن مرزبان را از فریم راند و خود بر تخت نشست (مرعشی، ۱۳۶۸: ۱۹۵).

استقرار شهریاربن رستم برای بار دوم در فریم که این بار با حمایت قابوس زیاری بود، از سال ۳۸۸ق آغاز شد. از این رو شهریاربن رستم خطبه را به نام قابوس خواند و سکه به نام وی ضرب نمود (ابن اثیر، ۱۴۰۷ق، ۹/ ۱۴۰). سکه‌ای مربوط به شهریاربن رستم در سال ۳۸۸ق با نام خلیفه القادر بالله (۴۲۲-۳۸۱ق) و قابوس‌بن وشمگیر (۴۰۳-۳۶۶ق) موجود است که سیادت زیاریان را پذیرفته است. در این سکه عبارت «علی‌ولی‌الله» ضرب نشده است (تصویر شماره ۱۹ و ۲۰). این موضوع نشان از این دارد که باوندیان از مواضع مذهبی خود به واسطه این که تحت‌الحمایه حکومت سنی مذهب زیاری قرار گرفته، دست کشیدند. به

عبارت‌بهرتر پس از آن که قابوس زیاری چتر حمایتی خود را بر حکومت باوندیه پهن نمود، باوندیان عبارت مذکور را از روی سکه‌ها حذف کردند. حذف عبارت شیعی «علی‌ولی‌الله» در این برهه زمانی یکی از رخدادهای مهم در تاریخ باوندیه به شمار می‌آید.

پس از استقرار مجدد شهریاربن رستم بر تخت امارت فریم، وی که در پی خروج از تابعیت قابوس زیاری بود، طغیان نمود. پس از خروج شهریاربن رستم، قابوس پسران خود (مرزبان و بیستون) را به جنگ وی اعزام نمود که در این جنگ شهریاربن رستم شکست خورد و اسیر شد^۱ (خواجهرشیدالدین، ۱۳۷۳: ۱۰۵-۱۰۶). از فرزند او رستم‌بن شهریار اطلاع چندانی در دست نیست، جز آن که سپهسالار لشکر پدر و معاصر قابوس زیاری بوده است (رابینو، بی تا: ۴۲۰). از این‌رو با مرگ شهریاربن رستم نخستین سلسله باوندیان از بین رفت. هرچند سکه‌ای از شروین‌بن محمد - فردی از خاندان باوندی - در حدود سال ۴۰۰ ق در فریم ضرب شده (زامباور، ۱۳۵۶: ۲۸۶؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۷۱) که نشان‌دهنده این است که بازماندگان باوندیان از قدرت محلی اندکی برخوردار بودند.

پس از مرگ شهریاربن رستم به سبب استیلای قابوس بر طبرستان وقفه‌ای ۷۰ ساله در فرمانروایی باوندیان پدید آمد. سهراب پسر شهریاربن رستم در روزگار منوچهر پسر قابوس به اندک آب و زمینی بسنده کرد و سخن از حکمرانی پیش نیاورد. بدین ترتیب شاخه کیوسیه باوندیان تا نیمه اول قرن پنجم هجری پابرجا بوده است؛ اما به نظر می‌رسد قارن پسر سهراب در شهریارکوه قدرتی داشته و در زمانی که طغرل سلجوقی به طبرستان آمد «خراج ولایت بستد و در هر ناحیه نایب خاص خود بنشانند؛ اما در هامون و هرچه پریم و شهریارکوه و کوهستان قارن بود، متعرض نشد» (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۳۰۰-۳۰۸).

نتیجه‌گیری

امرای باوندیه در قرن سوم هجری اسلام آوردند و در ادامه با حکومت علویان طبرستان در جدال مداوم بودند. حکومت باوندیان کیوسیه پس از تسلیم در برابر علویان طبرستان در

۱- اما ابن‌اثیر بیان می‌کند که رستم‌بن مرزبان با لشکر ری به ولایت شهریاربن رستم تاخت و وی را اسیر نمود. وی چون بدون اجازه مجدالدوله با استفاده از لشکر ری دست به چنین اقدامی زده بود، از وی در هراس بود و به قابوس پیوست و شهریاربن رستم دربند را به وی سپرد. (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ ق، ۹/ ۱۴۰-۱۴۱) شهریاربن رستم پس از چندی در زندان بمرد یا کشته شد (۳۹۷ ق) (مرعشی، ۱۳۶۸: ۱۵۱، ۲۱۰).

نیمه قرن چهارم هجری دست به اقدامی نو و بدیع زدند. آنان بر سکه‌هایشان عبارت «علی‌ولی‌الله» را به طور آشکار ضرب نمودند. این اقدام شیعی در نوع خود منحصر به فرد بود. گفتنی است حکومت آل بویه شیعی قدرتمند - رکن الدوله - هم‌عصر باوندیان فقط در یک سکه اقدام به ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» نمود. در خصوص این که چرا عبارت «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌های علویان طبرستان و آل بویه نمود بارزی نداشته است، محققان باید در تحقیقات دیگری آن را مورد ارزیابی قرار دهند.

گفتنی است، حکومت باوندیان تقریباً حدود بیست و سه سال عبارت «علی‌ولی‌الله» را بر سکه‌هایشان ضرب کردند. می‌توان چنین نتیجه گرفت که آمادگی فضای فرهنگی و مذهبی از سوی علویان طبرستان و همچنین حمایت سیاسی رکن الدوله بویهی از گرایش‌های شیعی آنان، از جمله عوامل مؤثر بر ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» است. علاوه بر این، جهان اسلام به ویژه دستگاه خلافت عباسی، نسبت به آل بویه و علویان طبرستان حساسیت بیشتری داشته و نسبت به حکومت باوندیان که حکومتی محلی به شمار می‌آمد، حساسیت کمتری داشت. همچنین وجود شمار بیشتری از شیعیان در قلمرو باوندیان از عوامل مهمی بود که موجب شد ضرب «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌های باوندی با چالش بزرگی روبرو نبوده و تداوم بیست‌ساله‌ای داشته باشد.

تا زمانی که عضدالدوله دیلمی در قید حیات بود و حمایت‌های سیاسی آل بویه قدرتمند از باوندیان وجود داشت، ضرب «علی‌ولی‌الله» بر سکه‌ها نیز تداوم داشت؛ اما با فوت عضدالدوله و تحت تابعیت قرار گرفتن شهریاربن رستم به فخرالدوله و حکومت‌های سنی مذهبی چون آل زیار، سیاست وی در این زمینه تغییر کرد. با پایان یافتن دوره اول حکومت باوندیان، یعنی کیوسیه، این اقدام شیعی در دوره بعدی از حکومت باوندیان (اسپهبدیه) که این حکومت گرایش‌های شیعی بیشتری داشتند، تداوم نیافت. از این رو ضرب عبارت «علی‌ولی‌الله» در دوره باوندیان کیوسیه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

منابع

- ابن اسفندیار، بهاءالدوله محمد بن حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال، تهران: خاور.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۶ و ۷ و ۸ و ۹، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، *العبر: تاریخ ابن خلدون*، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ابن فقیه همدانی (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان: بخش مربوط به ایران*، ترجمه ح، مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالمعالی حسینی، محمدالعلوی (بی تا)، *بیان الأدیان*، تصحیح عباس اقبال، تهران: انتشارات ابن سینا.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، تهران: علمی و فرهنگی.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی، «فریم پایگاه اسپهبدان باوندی کجاست؟»، *بررسی‌های تاریخی*، صص ۸-۱، شماره یک، سال هفتم.
- افندی اصفهانی، میرزاعبدالله (۱۴۰۳ق)، *ریاض العلماء*، به اهتمام سید محمود مرعشی، تحقیق سیداحمد حسینی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- اندامی، پریسا؛ سلیمانی، سعید (۱۳۸۰)، «برگی از سکه‌شناسی (روند تشیع در ایران)»، *کتاب ماه هنر*، صص ۸۵-۸۰، فروردین و اردیبهشت، شماره ۳۱-۳۲.
- آملی، مولانا اولیاء الله (۱۳۴۸)، *تاریخ رویان*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- باسورث، ادmond کلیفورد (۱۳۷۱)، *تاریخ سیاسی و دودمانی ایران، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانی*، (ج ۵ کمبریج) ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۶)، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.

- ترابی طباطبایی، سید جمال، وثیق، منصوره (۱۳۷۳)، *سکه‌های اسلامی ایران: از آغاز تا حمله مغول*، تبریز: مهدآزادی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷)، *اطلس تشیع*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، *تاریخ تشیع در ایران، از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، تهران: نشر علم.
- حاجی‌تبار، مجید (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «نشان‌شناسی مذهب شیعه بر مسکوکات علویان تبرستان»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، ص ۹۱-۱۰۶، شماره بیستم.
- خواندمیر، غیاث‌الدین، (۱۳۶۲)، *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر دبیرسایقی، تهران: خیام.
- رابینو، ه. ل. (بی تا) «تاریخ‌مازندران»، ترجمه باقر امیرخانی، *نشریه دانشکده ادبیات تبریز*، ص ۲۹۵-۳۱۱، شماره پاییز، سال پانزدهم.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۷۳)، *جامع‌التواریخ*، تهران: چاپ محمد روشن و مصطفی موسوی.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳)، *سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان*، تهران: سمت.
- رمضانپور، محمد؛ قاضی‌پور شبروان، طاهره؛ باغانی خالوق، معصومه (بهار ۱۳۹۵)، «بررسی روابط اسپهبدان مازندران و شیعیان امامیه در دوره سلجوقیان»، *فصلنامه تاریخ نو*، ص ۳-۱۹، سال ششم، شماره ۱۴.
- زامباور، ادوارد فن (۱۳۵۶)، *نسب‌نامه خلفا و شهسپاریان*، ترجمه محمدجواد مشکور، خیام.
- سرافراز، علی اکبر؛ اورزمانی، فریدون (۱۳۸۹)، *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: سمت.
- سرافرازی، عباس (پاییز ۱۳۹۴)، «شعائر شیعی بر سکه‌های اسلامی تا شکل‌گیری حکومت صفویان»، *فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی*، صص ۷-۲۶، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- سکه‌ای ثبت‌شده به شماره ۱۲۶۳۵ در موزه رضا عباسی.
- سکه‌ای ثبت‌شده به شماره ۱۳۹۴.۱۳.۱۱۶۷ در موزه آستان قدس رضوی.

- سلیمانی، سعید (۱۳۹۶)، *تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران (قرون سوم و چهارم هجری قمری)*، تهران: انتشارات برگ‌نگار.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸ق)، *الأنساب*، تحقیق عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالجنان.
- شمس‌اشراق، عبدالرزاق (۱۳۶۹)، *نخستین سکه‌های امپراتوری اسلام*، اصفهان: دفتر خدمات فرهنگی استاک، چاپ پویا.
- شوشتری، نورالله (۱۳۷۵)، *مجالس المؤمنین*، تهران: اسلامیه.
- طاهری مهدی (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «اولین سکه‌های تراز شیعی در حکومت باوندیان طبرستان»، *نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی*، صص ۱-۷، دوره ۸، شماره ۳۰ و ۳۱.
- طبری، محمد (بی‌تا)، *تاریخ الطبری*، بیروت: دارالکتب‌العلمیه، ج ۸ و ۹.
- عظیم‌زاده طهرانی، طاهره (۱۳۸۲)، «سپهبدیه یا آل‌باوند و پیوند آنان با شیعه امامیه»، *فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن*، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، صص ۱۱۴-۱۲۶، شماره ۱ و ۲.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود (۱۳۶۳)، *تاریخ گردیزی*، به تصحیح و مقابله عبدالحی حبیبی. چاپ اول. تهران: دنیای کتاب.
- گلیجانی‌مقدم، ندا؛ خلعتبری، اللهیار؛ جان‌احمدی، فاطمه (پاییز ۱۳۹۰)، «رابطه حکومت‌های محلی گیلان، دیلمان و مازندران با علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ق)»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، صص ۱۱۹-۱۴۳، سال بیست‌ویکم، دوره جدید، شماره ۱۱، پیاپی ۹۵.
- گیلانی، ملاشیخ‌علی (۱۳۵۲)، *تاریخ مازندران*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- لسترنج، گی (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- مادلونگ، دیپلو (۱۳۶۳)، *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*، از سلسله تحقیقات گروه تاریخ ایران دانشگاه کمبریج، ج ۴، گردآورنده، ر. ن. فرای، مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- مجهول المؤلف (۱۳۶۲)، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به و شش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات طهوری.
- مرادی نسب، حسین؛ ایزانلو، محمدمین (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «کار بست همگرایی شیعیان امامی با سلجوقیان»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، صص ۱۰۱-۱۲۰، سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی ۴۰.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۶۸)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، با مقدمه محمدجواد مشکور، به کوشش محمدحسین تسبیحی، تهران: شرق.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۵ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت: دارالاندلس.
- مظاهری، علی (پاییز ۱۳۵۳)، «امامیه در مازندران در قرن ششم»، *معارف اسلامی*، صص ۳۰-۳۹، دوره جدید، ش ۴، مسلسل ۱۸.
- مظاهری، علی (زمستان ۱۳۵۳)، «آستانه رضوی و شیعه در حدود ۴۰۰ هجری»، *معارف اسلامی*، صص ۱-۱۹، دوره جدید، ش ۵، مسلسل ۱۹.
- معلمی، مصطفی (پاییز ۱۳۸۷)، «روابط خاندان باوند با سلاجقه و قدرت سیاسی تشیع امامیه در سده‌های پنجم و ششم هجری»، *فصلنامه علمی تخصصی تاریخ در آینه پژوهش*، صص ۱۲۵-۱۵۴، سال پنجم، شماره سوم.
- وثیق، منصوره (۱۳۸۶)، «تشیع در ایران به روایت سکه های تاریخی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، صص ۹۰-۹۷.
- Album, S. (2011), Checklist of Islamic Coins, 3rd ed, Santa Rosa.
- Lane-Poole S., C. (1967), of the Arabic Coins, pre, In kh. Lib. At Cairo, p. 152-3, London, see Margin No. 967.
- Lavoix, Henry (1886), *Catalogue des monnaies Musalmanes de la bibliotheq nationale*.
- Stern, M.S. (1986), *Coins and Documents From the Medieval Middle East*, London, pp.190-218.

لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله	لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله	پشت سکه
بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه اربع وخمسين وثلثمائه لله الامر من قبل ومن بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله	بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ثلث و خمسين و ثلثمائه	
(شمس اشراق، ۱۳۶۹: ۳۱؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۷)	(آبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲)	

		تصویر شماره ۵	تصویر شماره ۴
۳۶۱ ق	۳۵۶ ق	تاریخ ضرب	۳۵۶ ق
فریم	فریم	محل ضرب	فریم
الله / محمد رسول الله / علی ولی الله	الله / محمد رسول الله / علی ولی الله	روی سکه	الله / محمد رسول الله / علی ولی الله
محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون	محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون	پشت سکه	محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله	لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله	پشت سکه	لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله
بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم بامرستم سنه احدى وستين و ثلثمائه	بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ست و خمسين و ثلثمائه		بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ست و خمسين و ثلثمائه
الله الامر من قبل ومن بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله	الله الامر من قبل ومن بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله		الله الامر من قبل ومن بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله
(آبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۴۷۵)	(آبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۷)		(آبوم، ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۷)

 <p>تصویر شماره ۷</p>	 <p>تصویر شماره ۶</p>
<p>۳۶۵ق</p>	<p>۳۶۲ق</p>
<p>فریم</p>	<p>فریم</p>
<p>لله / محمدرسول الله / علی ولی الله محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون</p>	<p>لله / محمدرسول الله / علی ولی الله محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون</p>
<p>لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله</p>	<p>بامر رستم / لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله</p>
<p>بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه خمس وستین و ثلاثمائه</p>	<p>بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه اثنین وستین و ثلثمائه</p>
<p>لله الامر من قبل ومن بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصر الله</p>	<p>لله الامر من قبل ومن بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصر الله</p>
<p>(الجم ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۴۷۵)</p>	<p>(سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۸)</p>

۱- در این سکه علاوه بر نام خلیفه وقت عباسی (المطیع لله) و پادشاه بویه (رکن الدوله) نام امیر باوندی (رستم) بر پشت سکه و شهادت علی ولی الله در روی سکه دیده می شود (سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۸).

تصویر شماره ۹	تصویر شماره ۸
۳۶۴ق	۳۶۵ق
فریم	ارجان
لا اله الا الله / محمدرسول الله / علی ولی الله	الله، محمدرسول الله، المطیع لله، عضدالدوله ابوشجاع
محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون	محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
الطائع لله / عضدالدوله و تاج المله ابوشجاع / مویدالدوله ^۱	لا اله الا الله، وحده لا شریک له، رکن الدوله ابوعلی بویه
بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم بامر رستم بن شروین سنه اربع و ستین و ثلثمائه	بسم الله ضرب هذا الدرهم بارجان سنه خمس و ستین و ثلثمائه
	الله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله
(سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۶۹)	(رضایی، ۱۳۹۳: ۵۱۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- در این سکه به جای لقب رکن الدوله، القاب پسران او عضدالدوله و مویدالدوله دیده می‌شود.

			
تصویر شماره ۱۱		تصویر شماره ۱۰	
تاریخ ضرب	نامشخص	نامشخص	۳۶۷ق
محل ضرب	نامشخص	فریم	
روی سکه	الله / محمد / رسول الله / علی ولی الله	لا اله الا الله، محمدرسول الله، علی ولی الله، رستم بن شروین محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون	
پشت سکه	لا اله الا الله / المطیع لله / رکن الدوله	الطابع لله، عضدالدوله ابوشجاع، مویدالدوله ابومنصور بسم الله ضرب هذا درهم بفریم سنه سبع وستین وثلاثمائه الله الامر من قبل ومن بعد و یومئذ یفرح المومنون بنصر الله (البروم ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۴۷۶)	
	درهم به شماره ۱۲۶۳۵ در موزه رضا عباسی		

	
تصویر شماره ۱۲	
تاریخ ضرب	نامشخص
محل ضرب	نامشخص
روی سکه	لا اله الا الله، المطیع لله، رکن الدوله بسم الله ضرب بامر رستم ...
پشت سکه	الله، محمدرسول الله، علی ولی الله محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
	نامشخص
	به شماره ۱۳۹۴.۱۳.۱۱۶۷ در موزه آستان قدس رضوی

			
تصویر شماره ۱۴		تصویر شماره ۱۳	
۳۷۳ق!!		۳۷۱ق	تاریخ ضرب
فریم!!		فریم	محل ضرب
الله، رسول الله، علی ولی الله، شهریار بن رستم ^۱		الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، الطائغ الله، مویدالدوله	
محمد رسول الله، ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون		محمد رسول الله، ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون	
لا اله الا الله، عضدالدوله و تاج المله، مویدالدوله ابو منصور		لا اله الا الله، الملك عضدالدوله و تاج المله	
بسم الله ضرب هذا الدرهم (بفریم؟) سنه ثلث و {وثلثمائه}		بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه احدى و سبعین و ثلاثمائه	
		الله الا من قبل ومن بعدو یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله	
(سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۷۰)		(آلبوم ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۴۷۶)	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- سکه شهریار بن دارابن رستم باوندی (۳۷۶-۳۹۳ق) با طراز شیعی و بدون نام خلیفه عباسی به سیادت عضدالدوله و مویدالدوله بویهی.

 <p>تصویر شماره ۱۶</p>		 <p>تصویر شماره ۱۵</p>	
تاریخ ضرب	۳۷۳ق	تاریخ ضرب	۳۷۶ق
محل ضرب	فریم	محل ضرب	فریم
روی سکه	الله، محمدرسول الله، علی ولی الله، شهریار بن رستم ^۱	روی سکه	الله، محمدرسول الله، علی ولی الله، الامیرالسیدفخرالدوله و فلک‌الامه بن رکن‌الدوله
	محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون		محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون
پشت سکه	لا اله الا الله، الملك عضدالدوله و تاج المله، مؤتدالدوله ابو منصور	پشت سکه	لا اله الا الله، وحده لا شریک له، الطائع لله، شهریار بن رستم
	وحده لا شریک له، الطائع لله، شهریار بن رستم		بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ست و سبعین و ثلثمائه
	بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ثلاث و سبعین و ثلاثمائه		الله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یفرح المومنون بئبصار الله {
	(البوم ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲)		(سلیمانی، ۱۳۹۶: ۲۷۱)

 <p>تصویر شماره ۱۸</p>		 <p>تصویر شماره ۱۷</p>	
تاریخ ضرب	۳۷۶ق!!	تاریخ ضرب	۳۷۶ق!!
محل ضرب	فریم!!	محل ضرب	فریم
روی سکه	الله، محمدرسول الله، الامیرالسیدفخرالدوله و فلک‌الامه بن رکن‌الدوله	روی سکه	الله، محمدرسول الله، الامیرسیدشاهان شاه فخرالدوله و فلک‌الامه علی بن رکن‌الدوله
	نامشخص		نامشخص

نامشخص احتمالاً آیه ۳۳:سوره توبه	محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون
پشت سکه	لا اله الا الله وحده لا شریک له، الطائع لله، شهریار بن رستم
{بسم الله} ضرب هذا الدرهم	بسم الله، ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ...
{الله الامر من قبل} و من بعد {و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله}	{الله الامر من قبل} و من بعد وی و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله
(سلیمان، ۱۳۹۶: ۲۷۰)	(البوم ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۴۷۶)

تصویر شماره ۲۰۵	تصویر شماره ۱۹۵
تاریخ ضرب	نامشخص
محل ضرب	فریم
روی سکه	لا اله الا الله، محمد رسول الله، القادری الله
	لا اله الا الله، محمد رسول الله، القادری الله
پشت سکه	شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، شهریار بن رستم
	شمس المعالی قابوس بن وشمگیر، شهریار بن رستم
	بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ...
	بسم الله ضرب هذا الدرهم بفریم سنه ثمانین و ثلثمائه
	(البوم ۲۰۱۱: ۱۷۱-۱۷۲؛ رضایی، ۱۳۹۳: ۴۷۶)
	(سلیمان، ۱۳۹۶: ۲۷۱)

۱- این سکه احتمالاً در فاصله سال‌های ۳۷۸-۳۷۶ ق ضرب شده به وسیله شهریار بن رستم (۳۷۷-۳۹۳ ق) و با قبول سیادت فخرالدوله بویهی.